# آقای متخصص، محصول دهه ۹۰

## بررسی کارنامه محمدحسین مهدویان؛ کارگردانی که بعد از گذشت شش سال از شروع فیلمسازی و موفقیت‌های فراوان، پا به عرصه سریال‌سازی گذاشته و اولین قسمت سریالش «زخم کاری» با استقبال زیادی روبه‌رو شده

مرجان فاطمی
هفت صبح

زمانی که اعلام شد محمدحسین مهدویان قرار است برای شبکه نمایش خانگی سریال بسازد شک نداشتیم ماحصل تلاشش اثر رضایتبخشی از آب درخواهد آمد. به‌هرحال مهدویان از اواسط دهه ۹۰ و بعد از موفقیت «ایستاده در غبار» به‌عنوان کارگردانی صاحب‌سبک شناخته می‌شود و حتی ضعیف‌ترین آثارش هم دیدنی و استاندارد هستند. بعد از مدتی، اضافه شدن نام جواد عزتی به این مجموعه، انتظارها را بالاتر برد. مخصوصا اینکه اعلام شد قرار است شاهد اثری اقتباسی از رمان قابل قبول «بیست زخم کاری» اثر محمود حسینی‌زاد باشیم و فضایی در حال و هوای مکبث شکسپیر را تجربه کنیم. جمعه هفته گذشته از قسمت اول سریال «زخم کاری» رونمایی شد. همه‌چیز درست مطابق انتظارمان پیش رفت جز بازی جواد عزتی که می‌توانیم بگوییم حتی فراتر از انتظارمان بود. با تماشای یک قسمت، هنوز زود است بخواهیم درباره کلیت سریال اظهارنظر کنیم یا نظر قطعی بدهیم اما بعید است این شروع طوفانی، در ادامه به بیراهه کشیده شود و به اثری ضعیف‌تر از آنچه دیده‌ایم تغییر شکل دهد. مهدویان از سال ۱۳۹۱ و ساخت مجموعه «آخرین روزهای زمستان» براساس زندگی شهید حسن باقری، توجه‌ها را به خودش جلب کرد و از سال ۱۳۹۴ با «ایستاده در غبار» در سینما هم توانایی‌اش را به اثبات رساند. او با «ماجرای نیمروز»، «رد خون» و «درخت گردو» بار دیگر قدرتش را در فیلمسازی به نمایش گذاشت و در این شش سال نشان داد حتی اگر آثاری به نسبت ضعیف‌تر مشابه «لاتاری» یا کمدی متوسطی مثل «شیشلیک» هم بسازد امکان ندارد از اصل بیفتد. مهدویان حالا با «زخم کاری» در نقطه شروع یک مسیر جدید است.

پیش در آمد

# یک شروع خوب

## واکاوی قسمت اول سریال زخم کاری که جمعه در شبکه نمایش خانگی توزیع شد

**اولین قسمت از سریال «زخم کاری» به کارگردانی محمدحسین مهدویان جمعه هفته گذشته منتشر شد.درست است که با یک قسمت از هیچ اثری نمی توان درباره‌اش قضاوت کرد اما مهدویان در همین یک قسمت هم موفق شد خیال مخاطبانش را از این بابت که با اثری جذاب و غافلگیرکننده روبه‌رو هستند راحت کند. قسمت اول این سریال را از چند منظر بررسی می کنیم.**

**اقتباس**

همانطور که حتما می‌دانید داستان سریال «زخم کاری» با اقتباس از رمان «بیست زخم کاری» نوشته محمود حسینی‌زاد ساخته شده. جالب اینجاست که روز گذشته اعلام شد چاپ چهارم این کتاب بلافاصله بعد از انتشار قسمت اول سریال در فروشگاه‌های نشر چشمه نایاب شده است. داستان «بیست زخم کاری» به نوبه خودش برداشتی آزاد از «مکبث» ویلیام شکسپیر است. شخصیت مالکی در همان قسمت اول به سبک و سیاق مکبث، توانایی‌اش را در معامله اثبات می کند اما به تبعیت از همسرش، پول معامله را به‌جای شرکت، به حساب خودش می‌ریزد؛ آن هم درست چند ساعت قبل از اینکه عمویش ریزآبادی بخشی از تشکیلات شرکتش را در دوبی و کیش به او می‌بخشد. تا اینجا همه چیز طبق الگوی داستان حسینی‌زاد و نمایشنامه مکبث پیش رفته. حالا فقط مانده قتل ریزآبادی که احتمالا به زودی باید شاهدش باشیم.

**شخصیت‌پردازی**

در قسمت اول با چهار شخصیت اصلی آشنا می‌شویم:مالک، سمیرا، ریزآبادی و پسرش ناصر.خود شخصیت مالک از ابتدا به‌درستی معرفی می‌شود.در همان قسمت اول متوجه می‌شویم که تحت تسلط همسرش قرار دارد و علاوه بر این درگیر نوعی فشار درونی است.فرو رفتن در وان پر از یخ، سیگار کشیدن‌های پیاپی، بالا آوردن در دستشویی و کتک خوردنش از سمیرا باعث می‌شود در همین ابتدا به شناختی کامل از او برسیم.سمیرا، زنی مرموز و سلطه‌گر و البته روانپریش معرفی می‌شود. همسرش را تحقیر می کند، او را وادار به تحمل رنج می کند و کتکش می‌زند.در قسمت اول تکلیفمان با دو شخصیت ریزآبادی پدر و پسر هم روشن می‌شود. پدری خوش‌فکر و ثروتمند که تمام اتکایش به مالک است و پسری به نام ناصر که چشم دیدن مالک را ندارد.

**بازی‌ها**

مهم‌ترین نقطه قوت سریال در قسمت اول به بازی بازیگران برمی گردد.این یکی از مهم‌ترین نقش‌های جواد عزتی است.او با وجود اینکه کم صحبت می کند و اکثر مواقع در خودش فرو رفته است اما با نگاه‌ها و شیوه پک زدن به سیگار و چهره درهم فرورفته‌اش می توانیم تمام التهابات درونی‌اش را بخوانیم.از نقطه شروع تا انتهای قسمت اول، مرحله به مرحله با تلاطم روحی این شخصیت پیش می‌رویم و یک جورهایی غافلگیر می‌شویم.اوج این غافلگیری زمانی است که متوجه ترس و سکوتش در مقابل خشم همسرش می‌شویم.با بازی رعنا آزادی‌ور در چنین نقش‌هایی چندان بیگانه نیستیم اما او هم در نقطه شروع، مدام غافلگیرمان می کند.سیاوش طهمورث هم که با ظاهری متفاوت به میدان آمده، نقش یک ثروتمند خوش فکر و کاربلد را به‌خوبی ایفا کرده است.

**فضاسازی**

«زخم کاری» هم از جمله سریال‌های شبکه نمایش خانگی است که در خانه‌ها و ویلاهای لاکچری پیش می‌رود و شخصیت‌هایش در پول غوطه می‌خورند اما این‌بار این وضع مالی و شرایط زندگی به خاطر بالا بردن جذابیت بصری سریال نیست.طبیعتا برای اقتباس از «بیست زخم کاری» و پیش رفتن طبق الگوی مکبث به چنین فضایی نیاز است.ریزآبادی یک ثروتمند معمولی نیست و معامله‌هایی که با همکاری مالک جوش می‌خورد هم در حد چند ملک و املاک ساده نیست. صحبت از واگذاری مناطق آزاد است و معامله‌ها آنقدر اهمیت دارد که می‌شود حق داد کسی به خاطرش آدم بکشد.بازی با نور و انتخاب رنگ‌ها و حتی فضای منزل و محل کار، همگی در خدمت نمایش روحیات شخصیت‌های اصلی انتخاب شده‌اند و التهاب موجود در سریال و روابط میان شخصیت‌ها را ترسیم می کنند.

# یکه‌تازی در بازسازی وقایع تاریخی

## بررسی پنج فیلم مهم کارنامه کارگردانی محمدحسین مهدویان در دهه ۹۰: از ایستاده در غبار تا درخت گردو

**ایستاده در غبار | ۱۳۹۴**

**ماجرا چه بود** «ایستاده در غبار» به عنوان اولین تجربه سینمایی محمدحسین مهدویان، یک مستند درام و جنگی بود که به زندگی جاویدالاثر احمد متوسلیان از کودکی تا مفقودالاثر شدن می‌پرداخت.

**دلایل اهمیت فیلم** مهدویان در سریال «آخرین روزهای زمستان» از تکنیک تلفیق فیلم با صداهای آرشیوی استفاده کرده و با استقبال زیادی روبه‌رو شده بود. او یک‌بار دیگر در فیلم «ایستاده در غبار» از این تکنیک استفاده کرد. تلفیق صحنه‌های بازسازی شده با صداهای واقعی باعث شده بود مخاطبان تصور کنند شاهد یک اثر کاملا واقعی هستند.

**میزان موفقیت** «ایستاده در غبار» سیمرغ بلورین بهترین فیلم، بهترین جلوه‌های ویژه میدانی و بهترین طراحی لباس را از جشنواره فیلم فجر سی‌وچهارم دریافت کرد و در شش رشته هم نامزد دریافت سیمرغ شد.

**جایگاه در کارنامه کارگردان** درست است که مهدویان با ساخت «آخرین روزهای زمستان» به چشم آمده بود اما با ساخت «ایستاده در غبار» موفق شد خودش را به عنوان یک کارگردان صاحب تکنیک به سینماگران و مخاطبان معرفی کند. «ایستاده در غبار» سکوی پرتاب مهدویان بود.

**ماجرای نیمروز | ۱۳۹۵**

**ماجرا چه بود** به اتفاق‌های بعد از عزل ابوالحسن بنی‌صدر و ترورهای مقامات ارشد توسط سازمان منافقین در سال ۱۳۶۰ تا نفوذ به خانه‌های تیمی و کشته شدن موسی خیابانی و ... اشاره داشت.

**دلایل اهمیت فیلم** فیلم از این جهت که نگاهی همه‌جانبه به ماجرا داشت و به‌جای قهرمان‌سازی و افتادن به ورطه شعار، موفقیت‌ها و شکست‌ها را در کنار هم به نمایش می‌گذاشت با آثار تاریخی پیش از خودش تفاوت فراوانی داشت. مخصوصا اینکه با بازی‌های درخشان و فضاسازی‌های واقعی، التهاب آن شرایط به‌خوبی قابل درک بود.

**میزان موفقیت** این فیلم در سی و پنجمین دوره جشنواره فیلم فجر در ۹ رشته نامزد دریافت جایزه سیمرغ بلورین شد و نهایتا سیمرغ بهترین فیلم، بهترین طراحی صحنه و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران به این فیلم تعلق گرفت.

**جایگاه در کارنامه کارگردان** مهدویان برخلاف «ایستاده در غبار»، این‌بار به جای بازسازی وقایع تاریخی، آنها را در قالب یک اثر داستانی دراماتیزه کرد و اولین قدم را در سینمای داستانی برداشت. از این جهت «ماجرای نیمروز» فیلم مهمی در کارنامه‌اش به حساب آمد.

**لاتاری | ۱۳۹۶**

**ماجرا چه بود** مهدویان در خلال یک داستان عاشقانه به ماجرای باندهای قدرتمند قاچاق دختران ایرانی به دوبی پرداخته بود.

**دلایل اهمیت فیلم** «لاتاری» به عنوان یک اثر عاشقانه قهرمان‌محور و درعین حال انتقادی، تا نیمه‌های راه موقعیت‌های جذابی را رقم زد و حرف‌های زیادی برای گفتن داشت اما در بخش دوم و درست بعد از ورود به دوبی، وضعیت تغییر کرد. مهدویان به جای پرداخت همه‌جانبه به مسائل، این‌بار یک‌مقدار گل‌درشت وارد عمل شد و همین هم چندان به مذاق مخاطبانش خوش نیامد.

**میزان موفقیت** «لاتاری» با اینکه به عنوان پرمخاطب‌ترین فیلم تاریخ جشنواره فیلم فجر دست پیدا کرد اما در جشنواره موفقیتی نصیبش نشد. فقط در رشته بهترین جلوه‌های ویژه بصری نامزد دریافت سیمرغ بود.

**جایگاه در کارنامه کارگردان** هنوز هم اکثر منتقدان، «لاتاری» را ضعیف‌ترین اثر مهدویان معرفی می کنند. علاقه‌مندان به سینمای مهدویان که با «ایستاده در غبار» و «ماجرای نیمروز» طرفدارش شده بودند معتقد بودند که «لاتاری» از جنس آثار مهدویان نیست و تجربه اشتباهی در کارنامه‌اش به حساب می‌آید.

**ماجرای نیمروز ۲: رد خون | ۱۳۹۷**

**ماجرا چه بود** قسمت دوم «ماجرای نیمروز» درباره اتفاق‌های بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ ایران و عراق است. زمانی که نیروهای منافقین به خاک ایران وارد می‌شوند و عملیات مرصاد شکل می گیرد.

**دلایل اهمیت فیلم** مهم‌ترین دلیل اهمیت فیلم، پرداختن به این دوره تاریخی است. تا پیش از «ماجرای نیمروز: رد خون»، عملیات مرصاد در هیچ فیلمی با این جزئیات روایت نشده بود و در واقع سند تاریخی مهمی را پیش‌روی مخاطبانش گذاشت. ضمن اینکه با اضافه کردن ماجرای حضور خواهر و همسر دو مامور اطلاعات در میان منافقین، داستان بعد احساسی هم پیدا کرده بود.

**میزان موفقیت** به اندازه «ماجرای نیمروز» موفقیتی نصیبش نشد. فیلم در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر در ۱۱ رشته نامزد دریافت سیمرغ شد و نهایتا سیمرغ بهترین جلوه‌های ویژه میدانی، بهترین صداگذاری و بهترین طراحی صحنه را گرفت.

**جایگاه در کارنامه کارگردان** درست است که برخی معتقد بودند در «رد خون» بازسازی تاریخ به درستی انجام نشده اما این فیلم در ادامه «ماجرای نیمروز» موفقیت دیگری در کارنامه مهدویان بود.

**درخت گردو | ۱۳۹۸**

**ماجرا چه بود** مهدویان به فاجعه بمباران شیمیایی سال ۱۳۶۶ سردشت و تاثیری که روی زندگی مردم گذاشت پرداخت. فیلم براساس زندگی قادر مولان‌پور یکی از آسیب‌دیدگان این فاجعه ساخته شده بود.

**دلایل اهمیت فیلم** اولین فیلمی بود که آنقدر دقیق به فاجعه بمباران شیمیایی سردشت می‌پرداخت و درد و رنج اهالی سردشت را با جزئیات به تصویر می‌کشید. از این رو اهمیت بسیار زیادی داشت. بازی پیمان معادی در نقش قادر مولان‌پور هم یکی از دلایل اهمیت فیلم بود.

**میزان موفقیت** مهدویان برای «درخت گردو» سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی را از جشنواره سی‌وهشتم فیلم فجر گرفت و پیمان معادی هم برنده سیمر میزان موفقیت: مهدویان برای «درخت گردو» سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی را از جشنواره سی‌وهشتم فیلم فجر گرفت و پیمان معادی هم برنده سیمرغ بهترین بازیگر مرد شد.«درخت گردو» در ۱۱ رشته دیگر هم نامزد سیمرغ بود.

**جایگاه در کارنامه کارگردان** «درخت گردو» سیمرغ بهترین کارگردانی را برای مهدویان به همراه آورد و به جشنواره‌های مختلف جهانی هم راه پیدا کرد. این فیلم هنوز اکران عمومی نشده است.

# بازی عشق در میدان جنگ

## مروری بر پنج کاراکتر مهم فیلم‌های محمدحسین مهدویان در شش سال اخیر و بازی درجه یک بازیگران ایفاگر این نقش‌ها

**هادی حجازی‌فر**

**چه فیلم‌هایی** ایستاده در غبار، ماجرای نیمروز، لاتاری، رد خون

**با چه کارنامه‌ای** از ابتدای دهه ۸۰ به‌عنوان کارگردان و بازیگر تئاتر چند نمایش مهم در کارنامه داشت اما در سینما شناخته شده نبود.

**اهمیت کاراکتر** او در «ایستاده در غبار» نقش جاویدالاثر احمد متوسلیان را بازی کرد و با وجود اینکه دیالوگی نداشت به‌خوبی شناخته شده. کمال «ماجرای نیمروز»، با وجود قرار گرفتن در جایگاه یک مامور امنیتی، یک آدم واقعی بود. غر می‌زد، انتقاد می کرد، احساساتی می‌شد و حتی بارها اشتباه عمل می کرد. مدافع عملیات‌های ضربتی بود. مدام تخمه می‌شکست و با وجود جدیتی که داشت، شیرینی بامزه‌ای در شخصیتش بود که فضای جدی فیلم را تلطیف می کرد. کمال در «رد خون» کماکان همان شخصیت را داشت. ضمن اینکه این‌بار نتوانست مقابل خواهرش، به وظیفه‌اش پایبند بماند. موسی در «لاتاری» یک‌جورهایی ادامه کاراکتر کمال بود. او این‌بار هم ضربتی عمل کرد و به شیوه خودش از شیخ عرب انتقام گرفت.

**جایگاه در کارنامه بازیگر** حجازی‌فر در مدت شش سال به یکی از بازیگران مهم سینما و تلویزیون تبدیل شد.

**جواد عزتی**

**چه فیلم‌هایی** ماجرای نیمروز، لاتاری، رد خون

**با چه کارنامه‌ای** تا پیش از «ماجرای نیمروز» بیشتر به‌عنوان یک کمدین شناخته می‌شد.

**اهمیت کاراکتر** صادق «ماجرای نیمروز» را شاید بتوانیم جدی‌ترین شخصیت این فیلم بنامیم. جواد عزتی با آن عینک بزرگ روی چشم و نگاه جدی‌اش کاملا متفاوت به نظر می‌رسید. صادق با وجود اینکه باهوش و حرفه‌ای بود اما توانایی بروز احساسات و برقراری ارتباط درست با دیگران را نداشت. به هیچ‌عنوان حاضر نمی‌شد احساساتش را در کارش دخیل کند و به همین دلیل هم در فیلم «رد خون» مدام مقابل کمال و افشین می‌ایستاد. عزتی در «لاتاری» با نقش نیما، برادر نوشین به میدان آمد. نقش نسبتا کوتاه برادری زندانی که بعد از مرگ خواهرش در پی انتقام برمی‌آمد اما به‌خاطر سرآمدن دوران مرخصی‌اش نمی‌توانست با امیرعلی و موسی در این انتقام شریک شود.

**جایگاه در کارنامه بازیگر** عزتی برای «ماجرای نیمروز»، نامزد بهترین نقش مکمل مرد شد اما مسئله مهم‌تر اینکه بعد از نقش صادق در «ماجرای نیمروز» بود که کم کم نقش‌های جدی بیشتری به عزتی پیشنهاد شد.

**ساعد سهیلی**

**چه فیلم‌هایی** لاتاری

**با چه کارنامه‌ای** ساعد سهیلی در شرایطی نقش امیرعلی را در فیلم «لاتاری» بازی کرد که از ابتدای دهه ۹۰ به‌عنوان بازیگر جوان در سینمای ایران مورد توجه قرار گرفته بود.او برای بازی در سه فیلم «گشت ارشاد»، «رخ دیوانه» و «گشت ارشاد۲» نامزد دریافت سیمرغ بلورین شده بود و بازی‌اش در فیلم «چند متر مکعب عشق» به چشم آمده بود.

**اهمیت کاراکتر** «لاتاری» فیلمی عاشقانه درباره به مسلخ رفتن یک عاشق امروزی است. پسر جوان جنوب‌شهری که با دست خالی به جنگ رقیبی چند برابر بزرگ‌تر و قدرتمندتر از خودش می‌رود و تا پای جان از حیثیت معشوقش بعد از مرگ دفاع می کند. اهمیت نقش از این جهت است که امیرعلی در جایگاه یک قهرمان واقعی می‌ایستد و دست آخر هم به هدفش یعنی نابودی رقیب می‌رسد.

**جایگاه در کارنامه بازیگر** «لاتاری» جزو آثار موفق محمدحسین مهدویان نبود اما با این حال بسیار دیده شد و حتی رکورد تماشا در جشنواره را زد. طبیعتا جزو آثار مهم کارنامه سهیلی به حساب می‌آید اما در جشنواره موفقیتی برایش نداشت.

**بهنوش طباطبایی**

**چه فیلم‌هایی** رد خون

**با چه کارنامه‌ای** بهنوش طباطبایی سال ۱۳۹۷ بازی در فیلم «ماجرای نیمروز: رد خون» را تجربه کرد؛ آن‌هم درحالی که از ابتدای دهه ۸۰ به‌عنوان بازیگر در سینما و تلویزیون و تئاتر فعالیت داشت و کاملا مشهور شده بود.

**اهمیت کاراکتر** بخش مهمی از جذابیت فیلم «رد خون» مدیون حضور شخصیت سیما یا همان خواهر لیلا بود. پرستاری که در ابتدای جنگ همسر و فرزندش را برای حضور در جبهه ترک کرده بود اما از یک جایی به بعد به مجاهدین پیوسته بود. او به قوانین اردوگاه و روشی که مجاهدین در قبال مردم ایران اتخاذ می کردند، انتقاد داشت و تمام تلاشش این بود که بتواند به تهران برگردد و دخترش را ببیند. درواقع ما با این شخصیت در اردوگاه همراه می‌شدیم و اتفاق‌ها و روابط میان مجاهدین را درک می کردیم. از طرف دیگر اهمیت این شخصیت برای دو مامور اطلاعاتی هم یکی از مهم‌ترین محورهای فیلم را می‌ساخت.

**جایگاه در کارنامه بازیگر** طباطبایی برای ایفای نقش نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن از سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر شد.

**پیمان معادی**

**چه فیلم‌هایی** درخت گردو

**با چه کارنامه‌ای** پیمان معادی از سال ۱۳۸۸ و بعد از بازی در فیلم «درباره الی» به‌عنوان یک بازیگر برجسته سینما شناخته شد. او در «جدایی نادر از سیمین» بسیار مورد توجه قرار گرفت و بعد از آن در «ابد و یک روز» و سپس «متری شیش و نیم» مجددا بازی‌اش به چشم آمد. معادی قبل از «درخت گردو» دو فیلم موفق «برف روی کاج‌ها» و «بمب یک عاشقانه» را کارگردانی کرده بود و برای هر دو، سیمرغ داشت.

**اهمیت کاراکتر** داستان فیلم براساس زندگی مردی به‌نام قادر بود که زن و فرزندانش را در بمباران از دست می‌داد و هیچ‌چیز برایش باقی نمی‌ماند. معادی بدون اینکه ریشه کردی داشته باشد، در نقش قادر سردشتی ظاهر شد و با آن گریم متفاوت طوری از پس ایفای این نقش برآمد که تشخیصش به‌عنوان یک بازیگر شناخته‌شده سخت بود.

**جایگاه در کارنامه بازیگر** خیلی‌ها معتقدند «درخت گردو» بهترین فیلم پیمان معادی است و از وجود خودش برای آن مایه گذاشته است. او سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد را برای این فیلم گرفت.

مکمل گزارش یک

# آدم‌های معمولی، قصه‌های واقعی

## بررسی پنج ویژگی مهم کارنامه فیلمسازی محمدحسین مهدویان که باعث شده او را به عنوان یک کارگردان درجه یک بپذیریم

**کارگردان‌های زیادی بوده‌اند که سراغ ساخت فیلم‌هایی درباره وقایع تاریخی رفته‌اند. برخی موفق بوده‌اند و برخی دیگر حتی دیده هم نشده‌اند. در این بین محمدحسین مهدویان با سبک و سیاق جدیدی به میدان آمده و در همین مدت زمان کوتاه توانسته است توجه مخاطبان زیادی را به خودش جلب کند. دلایل زیادی برای اثرگذاری فیلم‌هایش وجود دارد. در این بخش از پرونده، پنج نمونه از این دلایل را بررسی می کنیم.**

**سبک فیلمسازی منحصربه‌فرد**

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کارنامه مهدویان این است که در فیلمسازی دنباله‌روی هیچ کارگردانی نیست. زمانی که اولین‌بار سریال «آخرین روزهای زمستان» را براساس زندگی شهید حسن باقری کارگردانی کرد همه از نوآوری و سبک و سیاق جدید او تعجب کرده بودند. او این تجربه موفق را در «ایستاده در غبار» تکرار کرد و اولین‌بار بود اثری مستند توانست تا این حد مخاطبان را سر شوق بیاورد. مهدویان در فیلم‌های بعدی‌اش «ماجرای نیمروز»، «رد خون» و «درخت گردو» هم با وجود پایبند بودن به ماجراهای اصلی و حفظ واقعیت‌های تاریخی، سبک خودش را پیاده کرد. بازسازی تاریخ در بستری دراماتیک با شخصیت‌هایی که لزوما مثبت و منفی صرف نیستند. مهدویان حتی در «لاتاری» که در فضای فیلمفارسی‌های قدیمی ساخته شده بود هم امضای خودش را داشت گرچه در این یک نمونه چندان موفق ظاهر نشد.

**نگاه همه‌جانبه**

پیش از محمدحسین مهدویان، با فیلم‌ها و سریال‌های مختلفی درباره دوران جنگ و اتفاق‌ها و عملیات‌های آن دوران روبه‌رو بوده‌ایم اما آنچه باعث شده روایت مهدویان از این وقایع، جذاب‌تر و دلنشین‌تر به نظر برسد نگاه همه‌جانبه اوست. درست است که ساختن فیلم درباره خیلی از شخصیت‌ها و وقایع تاریخی با حساسیت‌هایی روبه‌روست اما در هیچ‌کدام از فیلم‌های مهدویان، دشمن یا رقیب، خوار و ضعیف شمرده نمی‌شود و شکست نیروهای امنیتی ایرانی نادیده گرفته نمی‌شوند.در «ماجرای نیمروز» کاملا با استیصال نیروهای امنیتی مواجه می‌شویم و بارها از زبانشان می‌شنویم که بازهم دیر رسیده‌اند و نتوانسته‌اند جلوی ترور یکی از شخصیت‌های مهم را بگیرند یا می‌بینیم که به راحتی گول می‌خورند و اجازه می‌دهند یک خائن از زیر دستشان فرار کند. در «رد خون» هم غافلگیری ماموران ایرانی را در مواجهه با حمله مجاهدین و تصرف شهرها کاملا درک می کنیم.

**ملموس بودن شخصیت‌ها**

در ادامه بحث نگاه همه‌جانبه مهدویان به وقایع تاریخی باید به این نکته هم اشاره کرد که شخصیت‌ها هم در آثار او کاملا ملموس و قابل درک هستند. شخصیتی که از احمد متوسلیان پیش‌روی ما می گذارد، یک آدم واقعی است، شوخی می کند، احساساتی می‌شود، دعوا می کند و به‌طور کلی اصلا اغراق‌شده نیست. برای همین هم هست که دلمان می‌خواهد داستانش را دنبال کنیم. کمال «ماجرای نیمروز» و «رد خون» هم با وجود تمام اعتقادات تند و تیزش، بارها اشتباه می کند و تحت‌تاثیر احساسات دست به اقدامات عجیبی می‌زند.او حاضر نمی‌شود خواهرش را فدای حرفه و اعتقاداتش کند. شخصیت مسعود به راحتی گول می‌خورد یا صادق با وجود تمام هوشی که دارد نمی‌تواند دیگران را وادار کند حرفش را گوش دهند. موسی «لاتاری» هم بیشتر از اینکه منطقی رفتار کند، تحت تاثیر احساسات است و برای انتقام حاضر می‌شود تمام برنامه‌ریزی‌های تیم امنیتی را به‌هم بریزد.

**فضاسازی دقیق**

یکی از معضلات اصلی فیلمسازانی که قصد دارند درباره دهه ۵۰ و ۶۰ فیلم بسازند بازسازی فضاهای واقعی آن دوران است.بارها در صفحه ۹ به غیرواقعی بودن فضاهای سریال‌های تلویزیونی که در آن دوره ساخته شده‌اند انتقاد کرده‌ایم و حتی شماری از گاف‌هایشان را منتشر کرده‌ایم. اکثر آثار مهدویان غیر از «لاتاری» که در زمان حال روی می‌دهد، براساس وقایع تاریخی ساخته شده‌اند.در «ماجرای نیمروز» بخشی از شهر تهران به تصویر کشیده می‌شود و همه‌چیز کاملا واقعی است. نه خبری از مونتاژهای عجیب و غریب می‌بینیم و نه مات کردن شیشه ماشین‌ها برای جلوگیری از تصاویر نادرست احتمالی. طراحی صحنه و جلوه‌های ویژه در «ایستاده در غبار»، «ماجرای نیمروز»، «رد خون» و «درخت گردو» مورد توجه داوران جشنواره قرار گرفته‌اند. یا سیمرغ به آنها تعلق گرفته یا در فهرست نامزدها قرار داشته‌اند.

**شیرینی در عین تلخی**

جز «شیشلیک» که محمدحسین مهدویان آن را در فضای طنز ساخته است، فضای سایر آثار این کارگردان کاملا جدی هستند. با وجود سلسله اتفاق‌های تلخی که در هرکدام از آنها شاهد هستیم اما احساس نمی کنیم با اثری کاملا تلخ و سیاه مواجهیم. وجود یک رابطه عاشقانه در «ماجرای نیمروز» یا علاقه افشین به سیما در «رد خون» تا حدودی توانسته‌اند این تلخی را بپوشانند. از طرف دیگر مهدویان شخصیت‌هایی در آثارش تعریف کرده که در عین جدیت، موقعیت‌های جالبی را پدید می‌آورند. مثلا در «رد خون» میان فضای متشنجی که به خاطر نفوذ مجاهدان در چند شهر به وجود آمده همه نگرانند و در این موقعیت، کمال دعوا راه می‌اندازد که چرا به باختران می گویند کرمانشاه و اسم شاه را می‌آورند. یا مثلا تخمه شکستن کمال در شرایط بحرانی «ماجرای نیمروز» یا شوخ‌طبعی شخصیت نعیم در «لاتاری» و ...

# جواد عزتی و شروع از نقطه صفر

## بازخوانی مصاحبه محمدحسین مهدویان بعد از «ماجرای نیمروز»؛ از انتخاب جواد عزتی و احمد مهرانفر برای ایفای نقش‌های جدی تا فیلمسازی با امضای خودش

**جواد عزتی که این روزها یکی از مهم‌ترین ستاره‌های سینماست و در «زخم کاری» هم نقش اصلی را به عهده گرفته با فیلم «ماجرای نیمروز» برای اولین‌بار ایفای نقشی جدی را تجربه کرد. درواقع می توان گفت که محمدحسین مهدویان نقش مهمی در زندگی حرفه‌ای این بازیگر ایفا کرده است. سال ۱۳۹۵ بعد از ساخت «ماجرای نیمروز» در مصاحبه‌ای، با مهدویان درباره انتخاب بازیگران و حال و هوای فیلمسازی‌اش گپ زده بودیم. بخش‌هایی از این مصاحبه را مرور می کنیم.**

» **جواد عزتی و احمد مهرانفر چهره‌هایی بودند که بیشتر به عنوان کمدین برای مردم شناخته می‌شدند. شما برای دو نقش کاملا جدی در «ماجرای نیمروز» دست روی این دو نفر گذاشتید. جواد عزتی به طور کامل قالب همیشگی‌اش را در این فیلم شکست و بعد از این بود که بازی در نقش‌های جدی را در سایر آثار هم ادامه داد. دلیل خاصی برای دست گذاشتن روی این بازیگران داشتید؟**

من اصولا راحت‌ترم از بازیگرانی استفاده کنم که اصلا چهره نیستند. به هرحال داشتم وارد فضای تازه‌ای می‌شدم و محمود رضوی، تهیه کننده اثر هم تاکید داشت که چون فیلم قرار است بفروشد و باید اکران موفقی داشته باشد بهتر است به این مسائل فکر کنیم. چون فیلم سخت و گرانی بود و باید مطمئن می‌شدیم که در فروش موفق می‌شود. بعد از جلسات مختلف به این نتیجه رسیدیم که ریسک نکنیم و از بازیگران چهره استفاده کنیم ولی برای من راحت نبود. تصویری که مثلا از کاراکتر صادق داشتم که کاملا تازه بود و دلم نمی‌خواست کسی آن را بازی کند که شاید قبل از این بارها نقش‌هایی شبیه صادق را بازی کرده. فکر کردم دست کم نباید سراغ آدم‌هایی بروم که قبلا چنین تجربه‌ای داشته‌اند. گفتم سراغ بازیگرانی بروم که برای این کار مجبور شوند از ابتدا شروع کنند. یعنی همه آنچه قبلا تجربه کرده‌اند را کنار بگذارند و مثل روز اول بازی را شروع کنند. احمد مهرانفر و جواد عزتی باید همه چیز این نقش را از ابتدا می‌ساختند چون هیچ عقبه‌ای از این نقش‌ها نداشتند.

» **یعنی در تئاتر هم چنین تجربه‌ای از آنها ندیده بودید؟**

نه اصلا. برای هردو این بازیگران این نقش جدید بود. برای خودشان هم عجیب بود که چرا آنها را انتخاب کرده‌ام ولی خب طبیعتا مکانیزم طوری بود که مجبور شدند چهره جدیدی از خودشان نشان دهند. ممکن است تماشاچی در لحظه اول، با ذهنیت قبلی با آنها روبه‌رو شود اما بعد از مدت کوتاهی آنها را می‌پذیرد. به نظرم خیلی موفق بودند و همانطور که دیدید جواد هم برای این نقش مکمل، نامزد شد. این انتخاب برای خودم جذاب بود. حس کردم دارم یک کار جدیدی انجام می‌دهم. مثلا می‌توانستم از مهدی پاکدل بخواهم نقش صادق را بازی کند. از آنجایی که خیلی شبیه نقش‌هایی بود که قبلا بازی کرده حتما کار خوبی هم از آب در می‌آمد اما برای من دیگر جذاب نبود. چون شبیه نقش‌هایی بود که قبلا بارها از او دیده بودیم. اتفاقا از مهدی درخواست کردم با اینکه خیلی بازیگر توانمندی است اما بیاید نقش کشمیری را بازی کند.

» **چقدر طول کشید که بتوانید از این دو بازیگر کمدین، چنین کاراکترهای جدیدی بسازید؟**

احمد مهرانفر و جواد عزتی به شدت موقعیت را درک کردند. البته یک جاهایی احساس می کردم که نقش دارد از دستشان در می‌رود. کار من اتفاقا این بود که آن لحظه‌ها را مهار کنم ولی وضعیت را خیلی خوب شناختند. البته من هم دنبال هر بازیگری نرفتم. دست روی بازیگرانی گذاشتم که در تئاتر بسیار حرفه‌ای هستند و بازیگری واقعا مسئله‌شان است.

» **هادی حجازی‌فر با فیلم «ایستاده در غبار» شناخته شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت. در «ماجرای نیمروز» نقشی متفاوت به عهده گرفت و آنجا هم با کاراکتر کمال درخشید. چطور این پتانسیل را در حجازی‌فر کشف کردید؟**

نقش کمال برای هادی نوشته شد. هیچ کس دیگری را به جز هادی برای این نقش متصور نبودم. چون به نظرم کاراکتر کمال بسیار شبیه احمد متوسلیان بود. هادی بازیگر بسیار توانمندی است.

» **بعد از اینکه «ایستاده در غبار» با موفقیت خیلی زیادی روبه‌رو شد طبیعتا مسئولیت سنگین‌تری داشتید. از یک طرف سلیقه مخاطبان به طور کامل دستتان آمده بود و از طرف دیگر می‌دانستید که مخاطبان انتظار خیلی زیادتری از شما دارند. بعد از «ماجرای نیمروز» این انتظارها بالاتر هم رفت. بعد از این دو فیلم مهم، نمی ترسید با استقبال فیلم‌های قبلی مواجه نشوید؟**

همین الان هم ترس دارم. همیشه این ترس وجود دارد. انتظارها تمامی ندارد. سختی کار ما این است که مدام باید خودمان را در معرض قضاوت دیگران قرار دهیم اما سعی کردم به ترس‌ها غلبه کنم. هزاران نفر می‌نشینند این فیلم را می‌بینند و راجع بهش قضاوت می کنند. برای همین وحشت آدم زیاد می‌شود. الان می‌فهمم که از چه منظرهایی می‌شود به فیلم نگاه کرد. زاویه‌هایی که گاهی اوقات خودت هم بهش فکر نمی کنی. معلوم نیست مخاطب چه واکنشی نشان دهد.

» **راه‌حل‌تان برای کنار آمدن با این ترس‌ها چیست؟**

تصمیم گرفتم این ترس‌ها را کنار بگذارم و اجازه ندهم برایم مسئله شود. همه تلاش و همه لذتم این است که احساسات و واکنش‌های تماشاگر را لحظه به لحظه لحاظ کنم و طوری فیلم بسازم که لذت ببرد.

» **این امضایی که در فیلمسازی لحاظ کرده‌اید را قرار است در فیلم‌های بعدی هم حفظ کنید؟**

بله. موضوع را شاید تغییر دهم و مثلا راجع به موضوعات اجتماعی بسازم یا فیلم روز کار کنم اما در سبک و سیاق باز هم همین حال و هوا را دارم. چون از این حس که عواطف و احساسات به شکل خیلی موجز و مینیمال بیان شود و غلیظ نباشد خوشم می‌آید. دلم می‌خواهد فیلمی بسازم که خیلی واقعی به نظر برسد. دنبال وضعیت‌های معمولی هستم که بحران را درون خودش داشته باشد. شاید یکی از دلایلی که فکر می کنم مردم «ماجرای نیمروز» را دوست دارند این است که در طول فیلم اضطراب را درک می کنند. غیر از صحنه درگیری آخر حتی هیچ درگیری زیادی در فیلم نشان نمی‌دهم اما تماشاگر واقعا آن اضطراب حاکم بر فضای فیلم را دریافت می کند و با فیلم همراه می‌شود. این مسئله برایم خیلی جذاب است.

در حاشیه

# همیشه پای هادی و جواد در میان است

## مروری بر پنج نکته جالب کارنامه فیلمسازی محمدحسین مهدویان

**کمرنگ بودن زنان**

یکی از نکاتی که معمولا درباره آثار محمدحسین مهدویان مطرح می‌شود و حتی در برخی نقدها به چشم می‌خورد، کمرنگ بودن حضور زنان در این فیلم‌هاست. البته اکثر این فیلم‌ها بازسازی وقایع تاریخی هستند و مهدویان برای دراماتیزه کردن شرایط زمانه، منطقی عمل کرده و حتی به فراخور، به سمت ساخت کاراکترهای زن هم رفته اما در کل فیلم‌هایش فضایی مردانه دارند.در «ایستاده در غبار» و «ماجرای نیمروز»، سهم بازیگران زن یکی دو سکانس بیشتر نیست.در «لاتاری» با حضور شخصیت نوشین در ابتدای فیلم تا حدودی این خلأ پر شده. البته بعد از چند دقیقه، نوشین می‌رود و تا پایان خبری از زن‌ها نیست. در «رد خون» و «درخت گردو» میزان حضور زنان بیشتر از سایرین است اما باز هم داستان با محور آنها پیش نمی‌رود. در قسمت اول زخم کاری اما شخصیت زن داستان یک‌جورهایی پیش برنده است و باید دید این‌بار به کجا می‌رسد.

**لاتاری از روی چاوشی**

اگر فیلم «لاتاری» را دیده‌اید، حتما برایتان جالب است بدانید که ایده اولیه ساخت این فیلم از ترانه «مسلخ» محسن چاوشی گرفته شده. در این ترانه آمده است:«حال من از رفته و مونده بد شد، قالی کرمون تو دبی لگد شد، غیرت من خار بیابون شده، اینجا کفن خاک خیابون شده و...» مهدویان در مصاحبه‌ای درباره چگونگی رسیدن به این ایده گفته: «ترانه چاوشی، ترانه زیبایی است و وقتی آن را شنیدم، حس کردم یک نگاه سینمایی دارد و تصمیم گرفتم این ترانه تبدیل به فیلم شود. به‌ویژه اینکه مضمون و موضوع ترانه هم در شرایط اجتماعی این روزهای کشور حرف مهمی را می‌زد. یادم است در صحبتی که با ابراهیم امینی، فیلمنامه‌نویس لاتاری داشتیم، بهش گفتم ترانه چاوشی پر از عصیان و خشونت است. روزهای بعد از ماجرای نیمروز بود که با یکی از دوستان نشسته بودیم و صحبت می‌کردیم، در جریان این صحبت‌ها طرح اول لاتاری شکل گرفت.»

**چهار همکای با حجازی‌فر و عزتی**

با شروع سریال «زخم کاری» با بازی جواد عزتی، حالا شمار همکاری‌های مشترک عزتی و مهدویان هم به عدد چهار می‌رسد و با تعداد همکاری‌های مشترک هادی حجازی‌فر و مهدویان یکی می‌شود. این ماجرا از این جهت جالب است که حجازی‌فر در یکی از مصاحبه‌هایش درباره حسادتش به جواد عزتی گفته:«من یک مدت به آقای عزتی حسادت می‌کردم و به شوخی به او می‌گفتم که در کارهای آقای مهدویان اول من هستم و بعد تو هستی.» هادی حجازی‌فر بعد از موفقیت در نقش احمد متوسلیان فیلم «ایستاده در غبار» در سه فیلم «ماجرای نیمروز»، «لاتاری» و «رد خون» هم با مهدویان همکاری داشت. عزتی از زمان «ماجرای نیمروز» به این جمع اضافه شد و در «لاتاری» و «رد خون» هم حضور داشت. او حالا نقش اصلی سریال «زخم کاری» است و در همین نقطه شروع توانسته است به خوبی خودش را در این نقش متفاوت ثابت کند. حجازی‌فر در این سریال حضور ندارد.

**همکاری با مهران مدیری**

بعد از اکران فیلم «درخت گردو» در جشنواره فیلم فجر، نقدهای فراوانی درباره آن منتشر شد. اکثر منتقدها به بازی مهران مدیری در این فیلم خرده گرفته بودند و یکدست نبودن بازی‌اش با این موقعیت و سبک و سیاق بازی سایر بازیگران تاکید داشتند. برخی از منتقدان نوشته بودند بازی مهران مدیری جذابیت این فیلم را گرفته و حتی به احساسات سایر بازیگران فیلم آسیب زده است. خیلی‌ها بحث رفاقت تهیه‌کننده با مدیری را به‌عنوان علت اصلی حضورش در این فیلم پیش کشیدند و... با وجود همه اینها خود مهدویان در هیچ جایی به آسیب خوردن اثرش از حضور مدیری صحبتی به میان نیاورد و حتی بعد از این فیلم مهمان «دورهمی» شد. آنها در طول برنامه، درباره سختی‌های زمان تولید «درخت گردو» باهم گپ زدند و خندیدند و مدیری به شوخی گفت که مهدویان درباره شرایط تولید فیلم سرش را کلاه گذاشته و به او نگفته است که چقدر سخت است.

**اعتراض به آرای مردمی شیشلیک**

آخرین فیلم محمدحسین مهدویان، یک اثر کمدی به‌نام «شیشلیک» بود که در جشنواره سی‌ونهم به نمایش درآمد. فیلم با وجود نقدهایی که درباره‌اش وجود داشت با استقبال خوبی روبه‌رو شد اما نهایتا در فهرست بهترین فیلم‌ها از نگاه تماشاگران در جایگاه سوم قرار گرفت. زمانی که آرای مردمی اعلام شد مهدویان در صفحه اینستاگرامش پستی اعتراضی منتشر کرد و اعلام کرد در آرای مردمی تقلب شده است. او نوشت: «ماجرای دستکاری در آرای مردمی جشنواره در سه روز آخر رای‌گیری، بعد از پیگیری عوامل فیلم‌ها و رسانه‌ها، با یک توضیح غیرشفاف از سوی ستاد جشنواره و ابطال شبانه تعدادی از آرا، سرهم‌بندی شد. استفاده بی‌دلیل و فکر نشده از سامانه فروش (سمفا) و کنار گذاشتن نظارت صنفی خانه سینما بر روند رای‌گیری مردمی، نتیجه‌ای جز بی‌اعتبار کردن مهم‌ترین سیمرغ جشنواره نداشت. امید که این تجربه ناموفق برای دوره‌های بعدی جشنواره تکرار نشود.»